خراسان روزنامه صبح ایران
یک شنبه ۱۸ آذر ۱۳۹۷ .اول ربیع الثانی ۱۴۴۰ .شماره ۱۹۹۸۱

«هاوارد زین»؛ روایتگر تاریخ واقعی آمریکا

هاوارد زین (درگذشته به سال ۲۰۱۰ میلادی)، از معدود مورخان معاصر آمریکا بود که در ارائه تاریخی بدون تحریف از این کشور نقشی مهم و تأثیرگذار داشت. او در کتاب مشهورش، «تاریخ مردمی آمریکا»، اسناد و گزارش‌های فراوانی را درباره چگونگی تأسیس کشور ایالات متحده ارائه کرده که نشان‌دهنده تاریخ سراسر خشونت و توحش اروپاییان در این سرزمین است.

تاریخ معاصر

نامه صریح «میرزا کوچک خان» به لنین

بعد از کودتای حزب کمونیست در گیلان، میرزا کوچک خان نامه‌ای به لنین و همچنین به مدیوانی، نماینده دولت شوروی در گیلان، فرستاد. به گزارش خبرگزاری ایبنا، این نامه‌ها دارای ارزش تاریخی فراوانی است؛ زیرا در آن‌ها نه فقط اوضاع گیلان، بلکه خطوط اصلی انقلاب ملی، به رهبری میرزا کوچک‌خان، کاملاً مشخص می‌شود.

در این نامه‌ها، میرزا از اعتقاد راسخش برای مبارزه علیه استعمار انگلستان سخن می‌گوید و در همان حال، بر این نکته اصرار دارد که تاکتیک و راهبرد انقلاب ایران، باید مطابق با داده‌های عینی و ذهنی جامعه ایرانی باشد. میرزا و همکارانش مصمم بودند آزادی تصمیم‌گیری خود را در برابر همه قدرت‌ها حفظ کنند. میرزا در نامه‌ای که برای لنین فرستاد، از موافقت‌هایی که با نمایندگان دولت شوروی و اعضای حزب عدالت، در دوم خرداد ۱۲۹۹ در انزلی انجام گرفته بود و از قول‌هایی که رهبران و شخصیت‌های حکومت شوروی به ملل شرق داده بودند، یاد کرد و در این زمینه نوشت: «من به نمایندگان شما در موقعش گفتم که ملت ایران حاضر نیست برنامه و روش بلشویزم را قبول کند؛ زیرا این کار عملی نیست و ملت را به طرف دشمن سوق می‌دهد.»

میرزا در همین نامه، از یک سلسله وعده‌های انجام نشده دولت شوروی گله و تاکید می‌کند که شیوه کار و برنامه حزب کمونیست در میان مردم گیلان، موجب تقویت ضد انقلاب شده است. وی در این زمینه می‌نویسد: «مداخلات نامشروع در کارهای داخلی، سبب شد که انقلابیون ایرانی از خود سلب مسئولیت کنند و صریحاً اعلام دارند که کار کردن با این وضع، به هیچ وجه امکان ندارد.

ما معتقدیم که قدم اول را برای آزادی ایران برداشته‌ایم، لیکن خطر از جانب دیگر به ما روی آورده است؛ یعنی اگر از مداخله خارجی در امور داخلی جلوگیری نشود، معنی‌اش این است که هیچ‌وقت به مقصود نخواهیم رسید؛ زیرا به‌جای مُداخله یک دولت خارجی که تا کنون وجود داشت، مداخله دولت خارجی دیگری شروع شده است. ما نمی‌توانیم افتخارات انقلابی خود را که طی ۱۴ سال کوشش و فداکاری به دست آورده‌ایم، یکباره محو کنیم و به حقوق ملت ایران خیانت ورزیم.» میرزا در نامه‌ای به مدیوانی نیز، از سرخوردگی عمیقش از رفتار اعضای حزب عدالت و نیروهای شوروی که در میان مردم گیلان ایجاد نارضایتی کردند، سخن می‌گوید: «اگر این اقدامات شما دوام پیدا کند، ناچاریم به هر وسیله که ممکن باشد، به تمام سوسیالیست‌های دنیا حالی کنیم که وعده‌های شما، همه‌اش پوچ و عاری از صحت و صداقت است. به نام سوسیالیزم، اعمالی را مرتکب شده‌اید که لایق قشون مستبد نیکلا و قشون سرمایه‌داری انگلیس است.» میرزا در همین نامه اضافه می‌کند: «من و رفقایم محال است آلت دست آن‌ها بشویم، عاری از شرف می‌دانم کسی را که حقوق حاکمیت و استقلال مملکت را هدیه شغل و مقام کند. من استقلال ایران را خواهانم و بقای اعتبارات کشور را طالبم، آسایش ایرانی و همه ابنای بشر را بدون تفاوت دین و مذهب شایقم. من آلت دست قوی‌تر از شما نشده‌ام، چه رسد به شماها. ما با شرافت زیست کرده‌ایم و با شرافت مراحل انقلابی را طی کرده‌ایم و با شرافت خواهیم مرد.»

۳۷۰۱۰
پذیرش تلفنی آگهی با پیک رایگان

فیلم «بر باد رفته» بر اساس چه رویداد تاریخی ساخته شد؟

آمریکای قرن نوزدهم؛ ۴ سال جنگ داخلی با ۷۰۰ هزار کشته

جواد نوائیان رودسری
info@khorasannews.com

برای کسانی که به سینمای کلاسیک علاقه‌مند هستند، نام فیلم‌هایی مانند «بر باد رفته»، «۱۲ سال بردگی»، «کلبه عمو توم»، «جانگوی آزاد شده»، «میهن‌پرست»، «لینکلن» و آثاری از این قبیل، آشناست؛ فیلم‌هایی دیدنی که روایتگر یکی از دردناک‌ترین حقایق تاریخ چند صد ساله آمریکا، یعنی برده‌داری و تلاش برای از بین بردن آن است. هر چند که برده‌داری در آمریکا، پس از اعلامیه ژوئیه سال ۱۸۶۲ لغو شد، اما آثار شوم آن که در قالب نژادپرستی و تبعیض نژادی بروز پیدا کرده، هنوز در آمریکای قرن ۲۱ نیز قابل مشاهده است. شاید جالب باشد که بدانید لغو برده‌داری در آمریکا را یکی از دلایل بروز بزرگ‌ترین جنگ تاریخ این کشور می‌دانند؛ جنگی که به جنگ انفصال شهرت یافته است؛ این جنگ میان ایالات طرفدار و مخالف برده‌داری در گرفت و بیش از چهار سال ادامه داشت. داستان برخی از فیلم‌هایی که نام بردیم، مانند «بر باد رفته»، «میهن‌پرست» و «لینکلن»، در همین دوره از تاریخ آمریکا رخ داده است؛ دورانی که برآنیم در این نوشتار، مطالبی را درباره آن، به شما خوانندگان عزیز روزنامه خراسان، ارائه کنیم.

آبراهام لینکلن (سمت چپ) در کنار یکی از فرماندهان ارتش شمال

■ کشوری که تاریخ آن با برده داری عجین است

ایالات متحده آمریکا، کشوری است که با مهاجرت اروپاییان به قاره جدید، پا گرفت. هر چند تمدن بومیان سرخ‌پوست آمریکا، با چند هزار سال قدمت، پیش از ورود مهاجران وجود داشت، اما از آن‌جا که اروپایی‌های سفیدپوست که این روزها رخت دفاع از حقوق بشر بر تن دارند، هیچ کس جز خودشان را آدم فرض نمی‌کردند، آن‌چه به نام تاریخ ایالات متحده وجود دارد، مربوط به ورود اروپایی‌ها و تسلط آن‌ها بر اراضی وسیع و زرخیز این سرزمین است. گزارش‌هایی که «هاوارد زین»، مورخ نامی معاصر ایالات متحده در کتاب معروف و پرفروش «تاریخ مردمی آمریکا» (A People's History of the United States) آورده است، نشان می‌دهد که اروپایی‌ها چگونه این کشور را بر شالوده‌ای از اجساد و خون سرخ‌پوستان بومی و بردگان سیاه‌پوستی که به اجبار از آفریقا آورده می‌شدند، بنا کردند. پروتستان‌های اروپایی به خود اجازه می‌دادند تا با تفسیر دلخواه کتاب مقدس، انسان‌های دیگر را به عنوان هدیه‌ای الهی! به بند بکشند و با بهره‌کشی از آن‌ها، بنای تمدنی نو را در قاره جدید پی‌ریزی کنند و بالا ببرند.

■ وجدان‌هایی که ظاهراً به درد آمد

تاریخ برده‌داری در آمریکا که همزمان با شکل‌گیری نخستین مهاجرنشین‌ها در مناطق شرقی این سرزمین، در قرن ۱۷ میلادی، آغاز می‌شود، تاریخی مشحون از صفحات سیاه است. رفتار حیوانی برده‌داران با سیاه‌پوستان، طی چند قرن، شورش‌ها و قیام‌های متعددی را رقم زد. نخستین قیام در جولای سال ۱۷۲۹ میلادی در کارولینای جنوبی شکل گرفت؛ ۴۴ سیاه پوست از این ایالت به سمت فلوریدا حرکت کردند و سرِ راهشان هر سفیدپوستی را که دیدند، به قتل رساندند. اما نیروهای نظامی مهاجرنشین انگلیسی، آن‌ها را محاصره کردند و به قتل رساندند. شورش‌های برده‌ها هر چند بی‌سرانجام بود، اما بر روح و روان معدود اروپاییانی که بویی از انسانیت برده بودند، تأثیر می‌گذاشت و وجدان خفته آن‌ها را بیدار می‌کرد. در سال ۱۸۰۸، تجارت بین‌المللی برده، ممنوع اعلام شد؛ اما آمریکایی‌ها که به تازگی راهی به سمت غرب گشوده و در پی توسعه سریع بودند، به برده‌ها احتیاج داشتند و حاضر نبودند از خیر آن‌ها بگذرند. با کشف طلا در کالیفرنیا، در دهه ۱۸۴۰، زیاده‌خواهی‌ها به اوج رسید و داستان‌هایی دهشتناک از چگونگی رفتار با برده‌ها، به‌ویژه در ایالت‌های جنوبی آمریکا، در این کشور منتشر شد؛ داستان‌هایی که باعث شد تعدادی از سیاستمداران آمریکایی به فکر پایان دادن به این ماجرا بیفتند؛ ماجرایی که آبروی کشور نسبتاً تازه‌تاسیس آن‌ها را در سطح جهان می‌بُرد.

■ لینکلن و حقیقت لغو برده‌داری در آمریکا

هنگامی که در چهارم مارس ۱۸۶۱، آبراهام لینکلن به ریاست جمهوری آمریکا رسید، موضوع لغو برده‌داری در آمریکا یکی از دغدغه‌های اصلی او بود. آیا لینکلن به دلیل نیت انسانی‌اش چنین دغدغه‌ای داشت؟ به تحقیق معلوم نیست. بسیاری از مورخان برآنند که وی مجبور بود برای حفظ یکپارچگی ایالات متحده که در آن زمان هنوز شامل ۱۰ ایالت از نیمه غربی این کشور نمی‌شد، برده‌داری را لغو کند. واقعیت این بود که خواست مردم ایالت‌های شمالی و جنوبی در زمینه تداوم برده‌داری کاملاً متفاوت بود و این موضوع، بروز اختلاف را اجتناب‌ناپذیر می‌کرد. زمزمه‌هایی از تجزیه‌طلبی به گوش می‌رسید. لینکلن بعدها در نطقی اذعان کرد: «من اتحادیه (ایالات متحده) را حفظ می‌کنم ... هدف اصلی من در این مبارزه این است که اتحادیه را حفظ کنم، نه این که برده‌داری را حفظ کنم یا از بین ببرم. اگر می‌توانستم اتحادیه را بدون آزاد کردن هیچ برده‌ای حفظ کنم، این کار را می‌کردم؛ اگر می‌توانستم اتحادیه را با آزاد کردن تمام بردگان حفظ کنم، این کار را می‌کردم و اگر می‌توانستم اتحادیه را با آزاد کردن گروهی از بردگان و برده نگه داشتن گروهی دیگر حفظ کنم، باز هم این کار را می‌کردم. هر آن چه در مورد برده‌داری و نژاد رنگین انجام دهم، به این دلیل انجام می‌دهم که فکر می‌کنم می‌تواند به حفظ اتحادیه کمک کند.» هر چند که در کتاب‌ها و مقالات تاریخی به جملات هیجان‌انگیزی به نقل از لینکلن درباره نفرتش از برده‌داری برمی‌خوریم، اما به نظر می‌رسد که حقیقت ماجرای جنگ‌های انفصال، چیزی غیر از یک آرمان انسانی بوده باشد.

■ آغاز انفصال

چند روز بعد از سوگند خوردن لینکلن به عنوان شانزدهمین رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، کارولینای جنوبی، جایی که دست بر قضا، به دلیل رواج برده‌داری خشن، خاستگاه نخستین شورش برده‌ها بود، پس از برگزاری یک انتخابات عمومی، خود را مستقل از ایالات متحده اعلام کرد. در روزهای بعد، جورجیا، آلاباما، می‌سی‌سی‌پی، لوئیزیانا و تگزاس و چندی بعد، آرکانزاس، کارولینای شمالی، ویرجینیا و تنسی هم به کارولینای جنوبی پیوستند و کنفدراسیون کشورهای آمریکا را تشکیل دادند. مردم این ایالات که به شدت مخالف لغو برده‌داری بودند، لینکلن را به خاطر سیاست‌هایش در این زمینه نکوهش می‌کردند و حاضر نبودند با مردم ایالات شمالی هم‌نظر باشند. آن‌ها جفرسون دیویس را به عنوان رئیس‌جمهور برگزیدند و ریچموند، شهری در ایالت ویرجینیا، به عنوان پایتخت اتحادیه جدید انتخاب شد. تلاش دیپلماتیک لینکلن برای حفظ اتحادیه به جایی نرسید؛ جنگ اجتناب‌ناپذیر بود. در آوریل سال ۱۸۶۱، نیروهای جنوب به بندر چارلتون در کارولینای جنوبی که هنوز در اختیار نیروهای شمالی بود، حمله کردند و با تصرف قلعه این بندر، جنگ‌های انفصال رسماً آغاز شد.

■ آزادی بردگان؛ سلاحی در دست لینکلن

آبراهام لینکلن با شنیدن خبر هجوم جنوبی‌ها به چارلتون، فرمان بسیج عمومی داد و از فرماندهان خواست تا ۷۵ هزار نیرو آماده کنند؛ اما ۳۰۰ هزار نیرو زیر پرچم وی گرد آمد. در جنوب نیز اوضاع به شدت متشنج شد. مزرعه‌داران بزرگ این منطقه، هزاران نیرو را برای مقابله با شمالی‌ها تدارک دیدند. لینکلن برای از درون فلج کردن جنوبی‌ها، اعلامیه لغو برده‌داری را در ژوئیه سال ۱۸۶۲ صادر و کنگره آمریکا آن را به اتفاق آرا تصویب کرد. موج فرار برده‌ها از ایالت‌های جنوبی به سمت شمال که مدت‌ها قبل از لغو برده‌داری توسط لینکلن و به دلیل منسوخ شدن این رسم غیرانسانی در ایالت‌های شمالی، آغاز شده بود، با اعلامیه جدید گستره و شتاب بیشتری پیدا کرد. در همین دوره بود که فعالیت گروه‌های نجاتی مانند «راه‌آهن سری» به سرپرستی «هریت تابمن»، بانوی سیاه پوست مخالف تبعیض نژادی، افزایش یافت و این به معنای وارد آمدن ضربه‌ای جدی به جنوبی‌ها بود. به فرمان لینکلن، نیروی دریایی آمریکا، ایالت‌های جنوبی را محاصره کرد و مانع تجارت آن‌ها شد. نیروهای کنفدراسیون جنوب، پس از شکست‌های پی‌درپی، به‌ویژه در نبرد «کتیزبورگ»، به ناچار در ۹ آوریل ۱۸۶۵، تسلیم شد و به این ترتیب، جنگ‌های انفصال، بدون تجزیه ایالات متحده به پایان رسید. آمریکا تاوان سنگینی برای این جدال خانمان‌سوز پرداخت کرد؛ بیش از ۷۰۰ هزار کشته و حدود ۶۰۰ هزار مجروح و معلول. با این حال، برده‌داری در آمریکا، تنها در ظاهر لغو و محو شد؛ آمریکا طی ۱۵۰ سال بعد نیز، گرفتار پدیده کریه تبعیض نژادی بوده است.

> آبراهام لینکلن: «هدف اصلی من در این مبارزه این است که اتحادیه (ایالات متحده) را حفظ کنم، نه این که برده‌داری را حفظ کنم یا از بین ببرم. اگر می‌توانستم اتحادیه را بدون آزاد کردن هیچ برده‌ای حفظ کنم، این کار را می‌کردم.» هر چند که در کتاب‌ها و مقالات تاریخی به جملات هیجان‌انگیزی به نقل از لینکلن درباره نفرتش از برده‌داری برمی‌خوریم، اما به نظر می‌رسد که حقیقت ماجرای جنگ‌های انفصال، چیزی غیر از یک آرمان انسانی بوده باشد

منابع:
تاریخ آمریکا؛ هاوارد زین؛ ترجمه مانی صالحی؛ نشر اختران
رؤیا و تاریخ (آمریکا در دو قرن)؛ کلود ژولین؛ ترجمه مرتضی کلانتریان؛ انتشارات آگاه
سخنرانی آبراهام لینکلن؛ آبراهام لینکلن؛ ترجمه اسماعیل قهرمان‌پور؛ نشر روزگارنو
تاریخ و ساختار نظام سیاسی ایالات متحده آمریکا؛ بهنام محمدپناه؛ نشر سبزان

اجساد سربازان جنوبی پس از شکست آن‌ها در نزدیکی ریچموند

گزارش تاریخی

عزم جزم «آخوند خراسانی» برای حفظ استقلال ایران

سیاست‌های ناکارآمد قاجاریه در اداره کشور و کاهش تدریجی مشروعیت آنان بعد از امضای فرمان مشروطیت، تزلزلی در پایه‌های حکومتی این دودمان به وجود آورد که دودستگی‌های درون جناحی طرفداران و مخالفان مشروطیت را، در دربار و جامعه، افزایش داد. به گزارش پایگاه مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، این وضعیت باعث بالا گرفتن دخالت‌های دولت‌های استعماری روس و انگلیس در امور داخلی ایران شد. بنابراین، سیل تلگراف از داخل و خارج ایران، از جمله از سوی مراجع تقلید همچون آیت‌ا... آخوند خراسانی و آیت‌ا... مازندرانی به سوی تهران و خطاب به دربار و دولت روان شد. آخوند خراسانی، طی تلگرافی خطاب به دولت نوشت: «کنیسه شدن مساجد اسلامی، پایمال شدن روضه منوره حضرت ثامن الائمه(ع) و اسیری در چنگال روس را محکوم کرده و اعلام می‌دارد که با تمام عشایر از شمال و جنوب و شرق و غرب باید دست اتحاد داده تا از این ذلت و اسیری رهایی یابند و دفاع از جان و مال و ثبات را تا آخرین نفس بر تمام مسلمین واجب قلمداد می‌کند». اجماع و اتحادی که ابتدا بر سر استقلال و مشروطیت ایران و سپس برای حفظ کیان اسلام، چه در داخل و چه در خارج از کشور، به وجود آمد، نشان‌دهنده عزم راسخی بود که «حریت» و «اسلامیت» را همچون دو بال یک پرنده و برای پرواز در یک مسیر می‌دانست؛ «حفظ کیان ایران». در تلگرافی که از طرف آیات عظام مجتمع در کاظمین، برای علمای ایران ارسال شده، می‌خوانیم: «فعلا ما را کاری به اشتراط و استبداد نیست و نظر مقصور (خلاصه شده) حفظ استقلال مملکت اسلامیه و رفع هجوم اجانب است که با اتحاد کلمه مصون خواهد ماند». آخوند خراسانی با مشاهده گزارش‌های فراوانی مبنی بر تعدیات سالدات‌های روسی که تا قزوین پیش آمده بودند، طی تلگرافی به «موتمن الملک»، رئیس وقت مجلس شورای ملی، حکم جهاد صادر کرد: «مقام محترم جناب موتمن الملک، رئیس مجلس شورای ملی؛ حکم جهاد و دفاع به عموم مسلمین ایران و غیره داده شد. امروز به حکم عقل و شرع عفو عمومی و جلب قلوب، لازم است البته مبادرت در اعلان آن فرموده، داعیان هم در خارج، عازم حرکت هستیم. بعون ا... تعالی». پس از مخابره این تلگراف، عزم سفر آخوند خراسانی برای حرکت به سوی ایران قطعی شد و همه علمای عراق عرب و عجم، یک به یک به خدمت آخوند خراسانی می‌رسیدند و بیعت خود را با او اعلام می‌کردند. اما فردای روز حرکت، ناگهان در وقت فریضه نماز صبح، عارضه‌ای برای آخوند خراسانی رخ داد و قبل از طلوع آفتاب، ایشان درگذشت. احتمال به شهادت رسیدن آخوند خراسانی، از سوی منابع تاریخی، منتفی اعلام نشده است. به این ترتیب، هجرت علما به ایران، متوقف شد.

تبلیغ موثر نوعی ارتباط برای پاسخگویی بهتر به نیازها و رضایتمندی بیشتر است

پذیرش غیرحضوری آگهی‌های تبریک، تعدیر و تشکر
پذیرش تلفنی: ۳۷۰۰ ۹۹۹۹
پذیرش تلگرامی: ۰۹۱۵۴۷۱۱۳۰۰
۹۷۱۴۱۶۷۱/د

آگهی اعلام رای موات قسمتی از پلاک ۶۶ اصلی بخش ۶ مشهدمقدس

کمیسیون تشخیص موضوع ماده ۱۲ قانون زمین شهری برابر نظریه شماره ۵۷۲-۱۶ مورخ ۹۷/۸/۳ قسمتی از پلاک ۶۶ اصلی بخش ۶مشهد مقدس به مساحت ۱۹۴۱۱ متر مربع مطابق با کروکی ذیل را موات تشخیص داده است. لذا مستند به ماده واحده مصوبه مورخ ۷۰/۱۱/۳ مجمع محترم تشخیص مصلحت نظام جهت اعلام به مالکین وسایر مدعیان ودارندگان حقوق قانونی در ملک مذکور این نظریه در دونوبت به فاصله ده روز در روزنامه منتشر می گردد. تا در صورت اعتراض (تاسه ماه از انتشار آخرین آگهی) اعتراض خود را به دادگاه صالحه تسلیم نمایند. بدیهی است در صورت عدم اعتراض در مهلت مذکور این نظریه قطعی ولازم الاجرا خواهد بود.

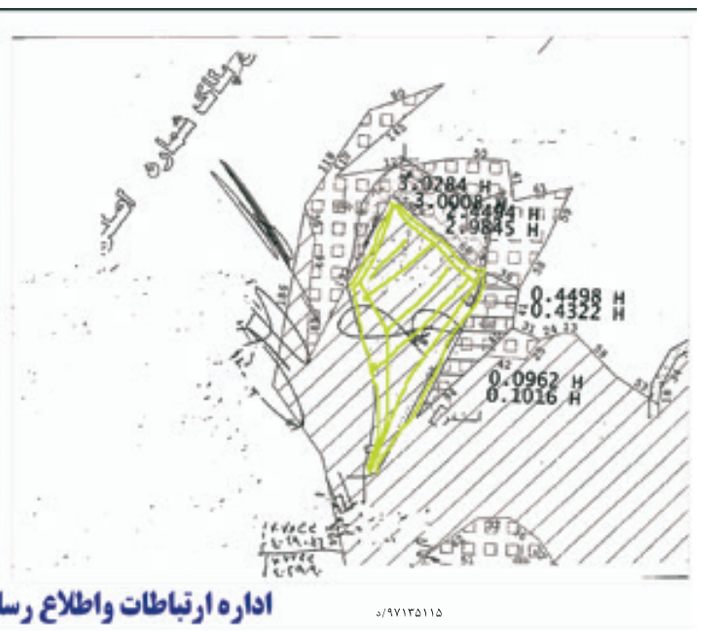

اداره ارتباطات واطلاع رسانی اداره کل راه وشهرسازی خراسان رضوی
۹۷۱۳۵۱۱۵/د